

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/02/19

موضوع: نقش «سنت» در فهم معانی و مفاهیم آیات قرآن کریم

برنامه حبل المتین

فهرست مطالب این برنامه:

تذکراتی پیرامون مسائل مهم روز و جاری کشور!

مسابقه ای برای کودکان و نوجوانان زیر 14 سال با جوایز ارزنده!

به ما بگویید چگونه و با چه زبانی شما را به مناظره دعوت کنیم!؟

نقش «سنت» در فهم معانی و مفاهیم آیات قرآن کریم

الگوی اقتدار امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نحوه گفتگو با دولتهای متخاصم غربی!

«سوده» و «طرماح» الگویی برای مذاکره کنندگان با اروپایی ها

تماس بینندگان برنامه

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين انه خير ناصر و معين الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية اميرالمؤمنين على بن أبي طالب و الأئمة المعصومين (عليهم السلام)

اگر گیری وضو با آب زمزم

اگر سجاده گردد عرش اعظم

اگر گویی اذان بر بام افلاک

گر از تکبیر گردد سینه ات چاک

اگر ضرب المثل گردد خضوعت

به حق قل هو اله در رکوعت

اگر باشد به توحیدت تعهد

اگر گردی شهید اندر تشهد

مبادا بر نماز خود بنازی

علی را گر نداری بی نمازی

سلام عرض می‌کنیم خدمت شما بینندگان و همراهان گرامی «شبکه جهانی حضرت ولی عصر».

سلام ویژه خدمت شما شیفتگان و محبین اهل بیت (علیهم السلام) که این شب‌های قدر را پشت سر گذاشتید و عزاداری کردید. الحمد لله که بندگی‌ها و نماز و روزه‌های شما مورد قبول درگاه الهی قرار گرفته باشد.

در خدمت استاد معظم حضرت آیت الله حسینی قزوینی هستیم و بحث برنامه «حبل المتین» و بحث ولایت را دنبال می‌کنیم. حاج آقا سلام علیکم، وقتتان بخیر، قبول باشد ان شاءالله؛

آیت الله حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ با تقدیم سلام به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند یا تکرار برنامه را می‌بینند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت تقدیم می‌کنم.

خدا را به آبروی حضرت محمد و آل محمد سوگند می‌دهم که ان شاءالله همه روزه‌ها و نمازها و عبادات و دعاها همه عزیزان را مورد قبول درگاهش قرار بدهد و به آبروی حضرت حجة بن الحسن بهترین پاداشی که برای بندگان صالحش عنایت می‌کند به شما گرامیان عنایت کند.

ما طبق برنامه همیشگی‌مان برای اینکه خودمان و شبکه و دست اندرکاران و بینندگانمان را بیمه حضرت صدیقه طاهره کنیم، ابتدای برنامه را با یادی از حضرت فاطمه زهرا آغاز می‌کنیم.

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمة الزهراء

چنان در شهر خود گشتم غریب و بی کس و تنها

که غیر از چشم گریانم ندارم یار دلجویی

الهی انتقامم را از آن بیدادگر بستان

که نه دستی برایم مانده، نه پهلو و نه بازویی

فتادم زیر ضرب تازیانه بارها از پا

ولی نگذاشتم کم گردد از مولا سر مویی

به خون دیده بنویسید بر دیوار این کوچه

که اینجا کشته راه ولایت گشته بانویی

مدینه ثبت کن این را که در امواج دشمن‌ها

حمایت کرد از دست خدا بشکسته بازویی

صلی الله علیک یا مولاتی یا فاطمة الزهراء أغیثینی

قبل از اینکه عزیزم آقای یعقوبی بزرگوار سؤالشان را مطرح کنند، اولاً باید از این بزرگوار تشکر کنم که در ماه مبارک رمضان برنامه‌های بسیار زیبایی را اجرا کردند و الحق و الانصاف مدیریت خوبی داشتند.

امیدواریم ان شاء الله حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) از ایشان تشکر کنند و تلاش‌های ایشان و دیگر عزیزانی که در این ویژه برنامه ماه مبارک رمضان دست اندرکار بودند مرضی مولایمان حضرت بقية الله الأعظم باشد.

بنده همچنین از عزیزان قرآنی، شخصیت‌ها و خانواده‌های شهدای مدافعین حرم و دیگر عزیزان تشکر می‌کنم. بنده با زبان الکن خود از همه عزیزان سپاسگذاری می‌کنم، اجرشان با مولایمان حضرت بقية الله الأعظم.

تذکراتی پیرامون مسائل مهم روز و جاری کشور!

نکته بعدی این است که همه عزیزان می‌دانند انتخابات نزدیک است. تلاش کنیم کسی را انتخاب کنیم که هم سرنوشت خودمان و هم سرنوشت دیگران را طوری رقم بزند که رضای خدا و رضای حجة بن الحسن و رضای خلائق در آن باشد.

بدانید افرادی که وعده وعیدهای توخالی می‌دهند و در مناظرات و تبلیغات حرمت شکنی و قداست شکنی می‌کنند و آبروریزی می‌کنند، نه خدا را در نظر می‌گیرند و نه امام زمان و نه خلق خدا را!

همانطور که در روایت داریم هرکسی به خاطر رضای خلق گناه خدا کند، هم خدا از او ناخشنود می‌شود و هم مردم از او ناخشنود می‌شوند.

ما تا به حال در طول این چهل و دو سال نداشتیم که مردم تا این اندازه در فشار باشند، ناراضی باشند و اعتراض کنند. این‌ها تماماً نتیجه وعده‌های پوچ، توخالی و بی‌تقوایی‌هایی است که از آغاز انتخابات انجام شد.

الحمد لله رب العالمین بنده در طول پنجاه سال عمر حوزوی خود اصلاً و ابداً عضو هیچ گروه و تیمی نبودم و ان شاء الله تا آخر عمر هم نخواهم بود.

بنده نه کاری به تیم راست دارم و نه کاری به تیم چپ دارم. هرکدام از آنها کار خوبی انجام بدهند ما از آنها تشکر می‌کنیم و هرکدام کار بد انجام بدهند ما از آنها انتقاد می‌کنیم.

بنده تنها جمله‌ای خدمت عزیزان عرض می‌کنم که قبلاً هم عرض کردم. بنده کاری ندارم که ما مسلمان باشیم یا نباشیم، انقلابی باشیم یا نباشیم، برای خون شهدا ارزش قائل باشیم یا نباشیم.

بنده تنها به عنوان یک ایرانی و به عنوان کسی که می‌خواهد در این کشور زندگی کند می‌گویم که با تمام انتقاداتی که دارید توجه داشته باشید که در رأس این نظام مقام معظم رهبری است.

رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلسی می‌تواند موفق باشد که با منویات کسی که در رأس این هرم و قله نظام است همگام باشد.

اگر فردی کوچکترین زاویه یا کوچکترین عصیان و نافرمانی داشته باشد، دودش به چشم مردم می‌رود و مشکلاتش به دوش مردم هست.

عزیزان! شما را به هرکسی که او را قبول دارید، قسم می‌دهم تلاش کنید کسی را انتخاب کنید که بتواند این مشکلات را حل کند و گرفتاری‌هایی که برای توده مردم ایجاد شده را برطرف کند و با کسی که در رأس نظام هست هماهنگ باشد.

نکته بعد این است که ما از هنرمندان و سلبریتی‌ها یا بعضی از ورشکستگان سیاسی و وطن فروشان داخل و خارج کشور که با شعارهایشان جنگ روانی ایجاد کردند و رأی جمع کردند، به هیچ وجه نخواهیم گذشت. مردم فردای قیامت از آنها شکایت خواهند کرد و آنها باید در محکمه عدل الهی پاسخ بدهند. تنها گفتن این جملات که "ما پشیمانیم" و "ما عذر می‌خواهیم" کافی نیست، بلکه مسئله حق الناس است.

اگر شما ده میلیارد بار هم عذرخواهی کنید، جنایتی که مرتکب شدید و کاری که انجام دادید و آتشی که روشن کردید و دودش به چشم مردم رفت را فراموش نخواهیم کرد.

بنده عرض کردم که فارغ از مسئله دین و مذهب و انقلاب هستیم، اما اعلام می‌کنم که ببینید دشمن کجا را می‌کوبد و شبکه‌های ماهواره‌ای معاند و وهابیت چه کسی را می‌کوبد. بدانید همان شخص مشکلات شما را حل خواهد کرد.

ببینید دشمنان و مخالفین چه کسی را تأیید می‌کنند. بدانید آن شخص خائن است و فردا آتشی بیش از گذشته روشن خواهد کرد که دودش همه را از بین خواهد برد.

واقعاً برای بنده در طول عمرم روشن هست افرادی که کاندید می‌شوند چه کسانی صالح و افسد یا فاسد و افسد هستند و گمان می‌کنم این قضیه از کسی مخفی نیست.

امیرالمؤمنین به «عبدالرحمن بن عوف» فرمود: تو که عثمان را انتخاب کردی و او ظلم و جنایات زیادی به راه انداخت، تو در تمام ظلم‌ها و جنایات سهیم هستی و فردای قیامت باید جواب بدهی.

نکته پایانی این است که آنچه از مسائل و قضایا مشهود است، این است که برخی افراد هستند که به دنبال فتنه افروزی هستند. اگر کاندید خودشان رأی بیاورد کاری ندارد، اما اگر فردی که مخالف سیاست‌های آنهاست رأی بیاورد به دنبال فتنه افکنی و آشوبند.

مردم عزیز ما باید قدری بیدار و آگاه باشند و فریب بعضی از شعارهای نادرست را نخورند و حضورشان را در صحنه کاملاً ثابت نگهدارند و در برابر فتنه‌هایی که احتمالاً بعضی‌ها به دنبال روشن کردن آن هستند بایستند و فتنه‌ها را در نطفه خفه کنند.

مجری:

خیلی ممنون و متشکریم. ان شاءالله که مردم عزیز ایران اسلامی با بصیرت خودشان کسی را انتخاب کنند که کمی از دردهایی که در طول این چند سال متوجه مردم شده است، کاسته شود.

حضرت استاد نکته‌ای فرمودند که بنده هم به نوبه خودم واجب می‌دانم تشکر کنم از حضرت آیت الله حسینی قزوینی که به ما این فرصت را دادند تا عرض ارادتی به خدمت حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و ساحت مقدس قرآن داشته باشیم.

در این یک ماه هرچه بوده از باب وظیفه بوده و ممنون حضرت استاد هستیم که این فرصت را به ما دادند تا بتوانیم استفاده کنیم و در خدمت قرآن باشیم. حضرت آیت الله حسینی قزوینی خیلی از شما ممنون و متشکریم.

حاج آقا جلسه گذشته صحبت‌هایی فرمودید و نکاتی مطرح کردید و درواقع چالشی هم مطرح شد.

چالش به این صورت بود که فرمودید غنچه‌های ولایت و مقصود کسانی بودند که زیر چهارده سال هستند و بتوانند ادله امامت الهی و خلافت بلافصل امیرمؤمنان علی (سلام الله علیه) را مطرح کنند، جوایزی را از دستتان مبارک حضرتعالی خواهند گرفت.

به دلیل اینکه این قضیه مطرح شده است، اگر امکان دارد در این خصوص قدری توضیحات بیشتری مطرح بفرماید.

مسابقه ای برای کودکان و نوجوانان زیر 14 سال با جوایز ارزنده!

آیت الله حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله

با تشکر از همه عزیزان ما برنامه‌ای را عرض کردیم. ما پنج سؤال طرح کردیم و گفتیم هرکدام از غنچه‌های ولایت و نونهالان ما به این پنج سؤال پاسخ بدهند، در حد توان خودمان برای هرکدام جوایزی تقدیم خواهیم کرد.

ما به پنج نفر اول نفری یک میلیون تومان هدیه تقدیم می‌کنیم، به پنج نفر دوم نفری پانصد هزار تومان تقدیم می‌کنیم و به ده نفر سوم نفری دویست هزار تومان تقدیم می‌کنیم. جوایز از این مبلغ کمتر نخواهد شد و شاید خدا کرم کرد و بیشتر شد.

ما سؤالات را در جلسه قبل مطرح کردیم و دوستان فنی ما هم امروز این سؤالات را در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» گذاشته‌اند.

اگر بینندگان عبارت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» را سرچ کنند، سایتی باز می‌شود که اولین خبر ادله امامت الهی و خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) است.

در این زمینه پنج سؤال مطرح شده است. سؤال اول این است که چرا باید از مذهب تحقیق کنیم. سؤال دوم این است که ادله شیعه بر فرقه ناجیه بودن خود از حدیث پیامبر چیست.

سؤال سوم اینکه ادله امامت الهی و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین در قرآن و سنت چیست. سؤال چهارم اینکه اگر علی بن ابی طالب خلیفه بلافصل پیغمبر اکرم می‌شد، چه اتفاقاتی می‌افتاد و با کنار رفتن حضرت بشریت متحمل چه خساراتی شد.

ما عرض کردیم یک مرتبه بحث سر این است که حق مسلم امیرالمؤمنین را ضایع کردند و سخنان نبی گرامی اسلام را در حق حضرت نادیده گرفتند، اما یک مرتبه بحث بر سر این است که در حق انسان‌ها و بشریت جفا کردند.

رسول اکرم بارها فرمود: اگر علی بن ابی طالب خلیفه شود، همگان را به صراط مستقیم رهنمود می‌کند. حضرت جامعه‌ای تشکیل می‌دهد که در آن خبری از ظلم و جور و ستم و فقر و تنگدستی خبری نیست و شما را از نظر مسائل مالی و دنیوی بی‌نیاز می‌کند.

امیرالمؤمنین کاری می‌کند که فردای قیامت همگان دسته جمعی اهل بهشت شوید. این‌ها مضمون روایاتی است که ما از منابع اهل سنت آوردیم و در همین جا هم بیان کردیم.

سؤال پنجم این است که چرا با علی بن ابی طالب بیعت نکردند و علت بیعت نکردن با امیرالمؤمنین چه بود. ما برای این پنج مورد سؤال از منابع اهل سنت روایت آوردیم. ما معمولاً از کتب شیعه یا اصلاً روایت نیاوردیم و یا اگر روایت آوردیم، بعد از مصدری از اهل سنت مصدری هم از شیعه برای تأیید قضیه نقل کردیم.

امیدواریم عزیزان ما این مطالب را از سایت دانلود کنند، پرینت بگیرند یا در موبایلشان قرار بدهند. ما این مسائل را کاملاً خلاصه نویسی کردیم به طوری که صد صفحه را به شش الی هفت صفحه تبدیل کردیم.

عزیزان زیر چهارده سال می‌توانند در این مسابقه شرکت کنند. لازم به ذکر است که جایز نیست افراد بزرگسال صدای خود را تغییر دهند و تقلب کنند.

ان شاءالله ما برای عزیزان نوجوان و جوان هم طرحی خواهیم داشت. غنچه‌های ولایت این مسابقه را به ما تحویل بدهند تا ببینیم استقبال از این مسابقه تا چه اندازه است.

امیدواریم از میان غنچه‌های ولایت که قبلاً در خدمتشان بودیم در بعضی از کانال‌ها نظیر «ندای شیعه» اطلاع رسانی شود و این عزیزان هم اطلاع رسانی کنند تا بتوانیم قدمی در راستای آشنا شدن نونهالان با معارف اهل بیت (علیهم السلام) برداریم.

مجری:

حاج آقا در خصوص مسابقه دو سؤال مطرح است. سؤال اول اینکه بفرمایید مهلت مسابقه تا چه زمان است. سؤال دوم اینکه بفرمایید شرکت کنندگان پاسخ سؤالات را به چه طریق برای شما ارسال کنند.

البته اگر به این سؤالات در پیج اینستاگرام «شبکه جهانی حضرت ولی عصر» پاسخ داده شود، مسلماً استقبال زیادی خواهد شد.

بنابراین این دو سؤال مطرح است. سؤال اول اینکه زمان مسابقه تا چه تاریخی هست و سؤال دوم اینکه نوع پاسخگویی تلفنی است یا اینکه باید پاسخ را برای شما ارسال کنند.

آیت الله حسینی قزوینی:

نظر ما بر این است که اگر امکان داشته باشد تا شب عید فطر مهلت بدهیم، اما ما این مطالب را قدری دیر روی سایت گذاشتیم. نهایتاً ما می‌توانیم تا بیستم شوال قبل از شهادت امام صادق به عزیزان مهلت بدهیم.

بینندگان عزیز می‌توانند روی خط بیایند و همین جا تلفنی جواب بدهند. ما هم عزیزان را سؤال پیچ می‌کنیم تا معلوم شود بینندگان مطالب را حفظ کرده‌اند یا تنها روخوانی می‌کنند. این مسائل کاملاً مشخص است. ما قبلاً هم برنامه‌ای با این مضمون داشتیم.

به ما بگویید چگونه و با چه زبانی شما را به مناظره دعوت کنیم!؟

بنده هیچگاه یادم نمی‌رود که دختر خانمی از یزد با «شبهه کلمه» تماس گرفته بود و گفت: به من اجازه بدهید در پنج دقیقه برای بینندگان شما امامت الهی و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین را از کتب شما با سند صحیح اثبات کنم.

آن‌ها سریع تلفن او را قطع کردند، زیرا وقتی دیدند یک کودک هشت ساله اینطور تحدی می‌کند غیر از قطع کردن تلفن او راه دیگری نداشتند. همین بهترین دلیل بود که این افراد جوابی نداشتند و می‌دانستند که این کودک در میان مخاطبین طوفان به پا می‌کند.

ان شاءالله غنچه‌های ولایت ما در این شبکه تمرین کنند و بروند در شبکه‌های وهابی این مباحث را مطرح کنند تا ببینند آنها چه جوابی دارند.

ما از آقایان سلفی و شبکه‌های وهابی تحدی می‌کنیم که اگر جوابی دارید زنگ بزنید. وهابیت برای آمدن به مناظره حاضر نشدند و یکی از آنها گفت که من حتی از عکس آقای قزوینی هم می‌ترسم. ما خدا را شاکر هستیم که آنها از عکس ما هم می‌ترسند.

بنده هم عرض کردم که آنها از منطق اهلبیت می‌ترسند، نه از منطق قزوینی. آن‌ها از فرهنگ اهلبیت می‌ترسند، نه از عکس قزوینی. من آن خاکم که هستم!! ما هنری نکردیم، بلکه تنها مطالبی از اهلبیت فرا گرفتیم.

ما اخیراً از آقای «خدمتی» برای مناظره دعوت کردیم و گفتیم هرکسی ایشان را آماده کند پنجاه میلیون تومان جایزه به او می‌دهیم. ما جلوی تمام بینندگان قول شرف می‌دهیم که اگر خود ایشان بیایند، ما پنجاه میلیون تومان به ایشان تقدیم می‌کنیم.

ما به هرکسی که ایشان در داخل کشور بگویند پنجاه میلیون تومان می‌دهیم و همچنین دوستانی هم در امارات داریم که معادل پنجاه میلیون تومان درهم اماراتی به ایشان تقدیم کنند.

ایشان بازهم استنکاف کردند و حاضر به مناظره نشدند، زیرا خودشان می‌دانند نتیجه چیست. به دلیل اینکه ایشان نتیجه را می‌دانند، حاضر نیستند زیر بار بروند.

آقای «خدمتی» یقین دارند که اگر چنین اتفاقی بیفتد، پول‌هایی که از عربستان سعودی می‌گیرند همگی مسدود می‌شود و علاوه بر این بینندگان و مریدان خود را از دست می‌دهند و دکانشان تعطیل می‌شود.

مشاهده کنید در طول تاریخ همیشه علمای شیعه برای مناظره پیشتاز بودند. بنده ندیدم و نشنیدم که یکی از علما یا بزرگان اهل سنت برای مناظره پیشتاز باشند.

در همین پانزده سال اخیر آیت الله سبحانی اعلام آمادگی کردند و گفتند که حاضرند با مفتی اعظم عربستان سعودی یا شیخ الأزهر مناظره کنند. همچنین آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله صافی گلپایگانی اعلام آمادگی کردند.

طبق آنچه بنده حضور ذهن دارم هر سه این بزرگواران اعلام آمادگی کردند، اما از طرف مقابل جوابی نشنیدیم. در حد پایین هم خودمان و دوستانی هم که با ما همکاری می‌کنند اعلام کردیم که بیایند برای ما و بینندگان ما ثابت کنند.

ما نسبت به یمانی‌های دروغین و دجال بصره گفتیم که اگر شما دنبال این هستید که چند پیرزن یا پیرمرد را در روستاها تابع «احمد بصری» کنید، بیایید قزوینی را تابع خودتان کنید.

بنده قول می‌دهم در این صورت حداقل پانصد هزار نفر در داخل و خارج از کشور از من تبعیت کنند و معتقد به امامت «احمد بصری» می‌شوند.

اگر این افراد می‌خواهند کار کنند، جلو بیایند. آن‌ها تا این اندازه هزینه می‌کنند و پول خرج می‌کنند تا یک پیرمرد یا پیرزن یا طلبه بی سواد را تابع خود کنند.

شاه کلید دست شماست. یقین داشته باشید اگر ما وهابی شدیم همانند آقایان دیگری که وهابی شدند و همه را از خود متنفر کردند، عمل نخواهیم کرد. آقایانی مانند «مؤید» و «سجودی» و «موسوی» جز تنفر حاصل دیگری نداشتند.

وهابیت یقین داشته باشند که اگر قزوینی را به طرف وهابیت و اهل سنت بکشانند، سرمایه خوبی هست. بنده نمی‌دانم دیگر به چه زبانی حرف بزنم. اگر راست می‌گویید؛

(قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

بگو اگر راست می‌گوئید دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید.

سوره بقره (2): آیه 111

بنده در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

سلامت باشید. بنده در خصوص ماجرای پنجاه میلیون که فرمودید، گاهی اوقات نظرات و کامنت‌ها را می‌خواندم.

بعضاً اهل سنت و وهابیت التماس می‌کردند که آقای «خدمتی» خواهش می‌کنیم مناظره‌ای انجام بدهید، ما به این پول نیاز داریم. در مقابل ایشان به دلیل سست بودن منطق و دلیلشان از آمدن برای مناظره خودداری می‌کنند.

البته این قضیه را هم ذکر کنیم که پنج سؤالی که حضرت استاد برای غنچه‌های ولایت مطرح کردند تنها مخصوص شیعه نیست. اهل سنت هم می‌توانند در این مسابقه شرکت کنند.

هدف ما این است که شما با حقانیت و حقیقت و واقعیت آشنا شوید. در طرح این مسابقه هدف هدایت و به سمت قرآن رفتن و به سمت امیرالمؤمنین رفتن است. این مسابقه تنها مخصوص شیعه نیست و کسی فکر نکند این تنها مخصوص شیعه است.

هرکسی که توانایی دارد می‌تواند در این مسابقه شرکت کند. پاسخ‌ها داده شده است، بینندگان محترم می‌توانند به سایت مراجعه و پاسخ‌ها را ملاحظه کنند. ان شاءالله حضرت استاد سؤالاتی می‌پرسند.

حاج آقا در جلسه گذشته راجع به موضوع امامت و ولایت صحبتی فرمودید و اشاره کردید که اینها همگی مقدمه‌ای برای امامت امیرالمؤمنین در قرآن است. اگر ممکن است خلاصه‌ای بفرمایید تا بنده سؤالات بعدی خود را مطرح بفرمایم.

نقش «سنت» در فهم معانی و مفاهیم آیات قرآن کریم

آیت الله حسینی قزوینی:

آقای «خدمتی» گفته بود که ما از آقای قزوینی خواستیم که امامت علی بن ابی طالب را در قرآن کریم اثبات کند. به دلیل اینکه ایشان این قضیه را اثبات نکردند، ما حاضر به مناظره نیستیم.

نقل شده است افرادی به «ملاً نصرالدین» گفتند طناب‌تان را بدهید تا ما برویم هیزم بیاوریم. او گفت: من در طناب ماست زدم. آن‌ها گفتند: در طناب که نمی‌شود ماست زد. «ملاً نصرالدین» گفت: این بهانه‌ای است و خوب است.

آقای «خدمتی» هم این بهانه را آورده است. به تعبیر «ابن عباس» سیصد آیه در حق امیرالمؤمنین نازل شده است، نه یک آیه و دو آیه! ملاحظه کنید در کتاب «تاریخ بغداد» جلد ششم صفحه 221 آمده است:

«عن ابن عباس قال نزلت فی علی ثلاثمائة آیه»

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علی أبو بکر الخطیب البغدادی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت -، ج 6، ص 221، ح 3275

همچنین در کتاب «تاریخ دمشق» جلد 42 صفحه 364 آمده است:

«عن ابن عباس قال نزلت فی علی ثلاثمائة آیه»

تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1995، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج 42، ص 364، باب آخر الجزء السابع والتسعين بعد الأربعمئة من الفرع

«سیوطی» در کتاب «تاریخ الخلفاء» صفحه 172 می‌نویسد:

«عن ابن عباس قال نزلت فی علی ثلاثمائة آیه»

تاریخ الخلفاء، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن أبى بكر السيوطى، دار النشر: مطبعة السعادة - مصر -
1371 هـ - 1952 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد محى الدين عبد الحميد، ج 1، ص 172، فصل فى
صفته رضى الله عنه

آقای «ابن حجر هیثمى» در کتاب «الصواعق المحرقة» صفحه 373 مى نویسد:

«نزل فى على ثلاثمائة آية»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن على
ابن حجر الهيثمى، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417 هـ - 1997 م، الطبعة: الأولى، تحقيق:
عبد الرحمن بن عبد الله التركى - كامل محمد الخراط، ج 2، ص 373، الفصل الثالث فى ثناء الصحابة
والسلف عليه

هیچ کدام از این علما شیعه نیستند و هیچ کدام از این کتب هم کتاب شیعه نیست و تماماً از کتب اهل سنت
است. ما گفتیم قبل از اینکه بخواهیم وارد آیاتى شویم که درباره امیرالمؤمنین نازل شده است، چند موضوع
باید روشن شود.

موضوع اول نقش شأن نزول در تعیین مفاهیم و معانى آیات است. ما نقل کردیم که «ابن تیمیه حرانى» هم
به صراحت مى نویسد:

«وَمَعْرِفَةُ سَبَبِ النُّزُولِ يَعْينُ عَلَى فَهْمِ الآيَةِ»

آشنا شدن به شأن نزول به ما در فهم آیه کمک مى کند.

«فَإِنَّ الْعِلْمَ بِالسَّبَبِ يورِثُ الْعِلْمَ بِالمُسَبَّبِ»

کتاب و رسائل و فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدي، ج 13، ص 339، فَضْلُ: الْخِلَافُ بَيْنَ السَّلَفِ فِي التَّفْسِيرِ قَلِيلٌ

این یک مسئله است که باید روشن شود شأن نزولی که در رابطه با آیات آمده است، می‌تواند به ما کمک کند. وقتی که شأن نزول آمد، دیگر سیاق آیات به هم می‌ریزد.

وقتی ما می‌بینیم نزدیک به هفتاد روایت آمده است که آیه تطهیر در رابطه با خمسه طیبه هست، شما هزار بار هم بگویید سیاق آیه قبل و بعد آن چنین است هیچ ارزشی ندارد.

وقتی ما می‌بینیم ده‌ها روایت در زمینه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) در رابطه با امیرالمؤمنین هست، سیاق آیه خداحافظی می‌کند و می‌رود. سیاق آیه اطلاق است و شأن نزول تقیید است و این را مقید می‌کند.

مادامی که دلیل خاص و قید آمد، دیگر ادله عامه به سراغ کار خودش می‌رود. ما در صورتی می‌توانیم به عموم، اطلاق و سیاق استناد کنیم که دلیل خاصی نداشته باشیم. این یک موضوع بود که ما مفصل روی آن بحث کردیم.

موضوع دیگر این است آقایانی که امروزه قرآن قرآن می‌گویند، متأسفانه قرآنیونی هستند که ان شاءالله به حق قرآن خانه‌هایشان ویران شود.

و نیز در میان اهل سنت، چه در میان اُزهري ها و چه در داخل کشور ما، جوانان ما را گمراه می‌کنند و به بهانه قرآن، مردم را از قرآن جدا می‌کنند.

کسی که ادعا می‌کند تنها از قرآن با من حرف بزن، در حقیقت قرآن را انکار می‌کند. قرآن کریم در آیه 44 از سوره مبارکه نحل می‌فرماید:

(وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)

و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها تبیین کنی.

سوره نحل (16): آیه 44

پیغمبر اکرم مبین است. قرآن کریم نمی‌فرماید «لتقرأ على الناس» یا «لتتلوا على الناس» بلکه تبیین قرآن کریم به عهده نبی گرامی اسلام است.

گرچه بعضی از گمراهان مواردی که به نفع خودشان باشد به شأن نزول استدلال می‌کنند، اما در جاهایی که به ضررشان باشد ادعا می‌کنند که شأن نزول به درد نمی‌خورد و قرآن برای ما کفایت می‌کند.

ما عرض کردیم «سنت» در عرض قرآن کریم هست، نه در طول قرآن. در آیه شریفه (وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ) تبیین چسبیده به قرآن است. آیه شریفه:

(وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید.

سوره حشر (59): آیه 7

چسبیده به قرآن است. همچنین آیه شریفه:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ)

اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا.

سوره نساء (4): آیه 59

چسبیده به قرآن است. ما مواردی در این زمینه از بزرگان اهل سنت آوردیم. به عنوان مثال «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» جلد سیزدهم می‌نویسد:

«من ثقات الشاميين كان جبريل ينزل على النبي بالسنة كما ينزل عليه بالقرآن»

از ثقات شامیین این است که جبرئیل سنت را برای پیغمبر اکرم نازل می‌کرد، همانطور که قرآن را نازل می‌کرد.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج 13، ص 291، باب قوله باب ما كان النبي يسأل مما لم ينزل عليه الوحي

تفاوت آنها در قرآن کریم تحدی هست. همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

(وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ)

اگر در باره آنچه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده‌ایم شک و تردید دارید (لا اقل) یک سوره همانند آن بیاورید.

سوره بقره (2): آیه 23

اما در سنت تحدی نیست. همانطور کریم می‌فرماید:

(وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید. آنچه آورده چیزی جز وحی نیست که به او وحی شده است.

سوره نجم (53): آیات 3 و 4

چه به قرآن و چه به سنت هیچ تفاوتی ندارد. بازهم از آقای «ابن عبدالبر» یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت متوفای 463 هجری مطلبی آوردیم. ایشان هم از «اوزاعی» و از قول «حسان بن عطیه» می‌نویسد:

«كان الوحي ينزل على رسول الله ويحضره جبريل بالسنة آلتى تفسر ذلك»

جبرئیل وحی را می‌آورد و در کتاب وحی سنت را هم می‌آورد.

«اوزاعی» هم می‌گوید:

«الكتاب أحوج إلى السنة من السنة إلى الكتاب»

احتیاج قرآن به سنت بیشتر از احتیاج سنت به قرآن است.

با این وضع دیگر نمی‌دانیم چکار باید کرد. همچنین از قول «احمد بن حنبل» نقل می‌کنند که می‌گوید:

«أن السنة تفسر الكتاب وتبينه»

سنت هست که قرآن را تفسیر و تبیین می‌کند.

جامع بیان العلم وفضله، اسم المؤلف: يوسف بن عبد آبر النمری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت

– 1398، ج 2، ص 191 و 192، باب موضع السنة من الكتاب وبيانها له

آقای «ابوحنیفه» هم تعبیر زیبایی دارد. در کتاب «قواعد التحديث» روایتی از قول «ابوحنیفه» نقل شده است

که می‌نویسد:

«لولا السنة ما فهم أحد منا القرآن»

اگر سنت نبود، اصلاً ما چیزی از قرآن را نمی‌دانستیم.

قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، اسم المؤلف: محمد جمال الدين القاسمي، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - 1399 هـ - 1979 م، الطبعة: الأولى، ج 1، ص 52، باب 4 - حث السلف على
الحديث

آقای «طباطبایی» که ان شاءالله خداوند او را مفتضح کند و به قول آیت الله سبحانی شکی در ناصبی بودن او
نداریم، می‌گوید: ما نه شیعه هستیم و نه سنی بلکه مسلمانیم!!

حال ما نمی‌دانیم مراد از مسلمان بودن چیست. شاید این افراد مستقیماً با پیغمبر اکرم مرتبط هستند و زمانی
که قرآن می‌خوانند جبرئیل کنار آنها می‌آید و قرآن را برایشان معنا می‌کند.

اگر علمای شیعه را قبول دارید، آنها کاملاً این مسائل را مطرح کردند و در او هیچ شک و شبهه‌ای ندارند.
تمامی آنها بر این عقیده هستند که ما بدون سنت نمی‌توانیم قرآن را بفهمیم.

در کتاب «تفسیر قرطبی» جلد اول صفحه 39 نقل شده است که «عمران بن حصین» به شخصی گفت:

«إنك رجل أحمق»

تو انسان احمقی هستی که می‌گویی تنها قرآن برای من کافی است.

«أتجد الظهر في كتاب الله أربعا لا يجهر فيها بالقراءة ثم عدد عليه الصلاة والزكاة ونحو هذا»

کجای قرآن نوشته شده نماز ظهر چهار رکعت است، نباید نماز ظهر را به جهر خواند یا تعداد رکعات نماز
را گفته است. کجای قرآن در خصوص زکات و چگونگی آن صحبت کرده است.

«أتجد هذا في كتاب الله مفسرا»

آیا این مسائل را می‌توانید در کتاب خدا پیدا کنید؟

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار

الشعب - القاهرة، ج 1، ص 39، باب تبیین الكتاب بالسنة وما جاء في ذلك

جالب اینجاست که آقای «ایوب سختیانی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت است که کتاب «تهذیب التهذیب»

اثر «ابن حجر عسقلانی» مفصل شخصیت او را آورده است و چنین تعبیر می‌کند:

«وكان سيد الفقهاء»

او سرور فقها بوده است.

سپس می‌نویسد:

«وقال بن سعد كان ثقة ثبتا في الحديث جامعا كثير العلم حجة عدلا»

در ادامه می‌نویسد:

«وهو ثقة لا يسأل عن مثله»

وثاقت او تا جایی است که اصلاً نباید درباره او سؤال کرد.

همچنین می‌نویسد:

«وقال النسائي ثقة ثبت»

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار

الفكر - بيروت - 1404 - 1984، الطبعة: الأولى، ج 1، ص 348، ح 733

«خطیب بغدادی» نقل می‌کند که «ایوب سختیانی» با همین توصیفات می‌گوید:

«إذا حدثت الرجل بالسنة فقال دعنا من هذا وحدثنا من القرآن»

اگر برای کسی از سنت حرف زدی و او گفت: سنت را کنار بگذار و از قرآن برای ما بگو؛

بعضی از سلفی‌ها روی خط می‌آیند و می‌پرسند که در کجای قرآن کریم توسل آمده است. «ایوب سختیانی» در جواب این افراد می‌گوید:

«فاعلم انه ضال مضل»

یقین داشته باش این شخص گمراه و گمراه کننده است.

الكفاية في علم الرواية، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن ثابت أبو بكر الخطيب البغدادي، دار النشر: المكتبة العلمية - المدينة المنورة، تحقيق: أبو عبدالله السورقي، إبراهيم حمدي المدني، ج 1، ص 16، باب تخصيص السنن لعموم محكم القرآن وذكر الحاجة في المجمل إلى التفسير والبيان

«ابو قلابه» هم شخصیت دیگری است که در این زمینه مطلبی آورده است. او شخصیتی است که «ذهبی» در مورد او می‌نویسد:

«عبد الله بن زيد بن عمرو أو عامر بن ناتل بن مالك الإمام شيخ الإسلام أبو قلابة الجرمي البصري»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ج 4، ص 468، باب 178 أبو قلابة

معمولاً اهل سنت دو لقب «الإمام» و «شيخ الإسلام» را برای کمتر کسی استفاده می‌کنند. در کتاب «سير أعلام النبلاء» جلد چهارم نقل شده است که ایشان می‌نویسد:

«إذا حدث الرجل بالسنة فقال دعنا من هذا وهات كتاب الله فاعلم أنه ضال»

اگر برای کسی از سنت گفتی و گفت سنت را کنار بگذار و از قرآن برای من بگو، بدان که او گمراه است.

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصرى الزهرى، دار النشر: دار صادر -

بيروت -، ج 4، ص 472، باب الطبقة الأولى من الفقهاء والمحدثين

مشاهده کنید «سیوطی» در کتاب «الإتقان» جلد اول تعبیری دارد و می‌نویسد «ابن سعد» در کتاب «طبقات» از قول «ابن عباس» نقل کرده است که علی بن ابی طالب وقتی برای مناظره او را به سوی خوارج فرستاد، فرمود:

«ولا تحاجهم بالقرآن»

گفتگو به این می‌گویند، نه روش کسانی که در برابر دشمن ذلیلانه سرشان را پایین می‌اندازند و هرچه دشمن بر سرشان می‌زند سرشان را بلند نمی‌کنند!!

لازم به ذکر است که تعداد خوارج دوازده هزار نفر بود که تنها با یک مناظره، هشت هزار نفر از جبهه مخالف بیرون رفتند!!

ملاحظه کنید تنها با گفتگوی «ابن عباس» فرستاده امیرالمؤمنین یک جبهه دوازده هزار نفری به جبهه چهار هزار نفری تبدیل شد. مرد گفتگو به این می‌گویند!! حضرت می‌فرماید که وقتی برای مناظره با مخالفین می‌روی؛

«ولا تحاجهم بالقرآن فإنه ذو وجوه»

مبادا با قرآن با آنها محاجه کنی، زیرا قرآن بر تأویلات مختلف است.

شما می‌گویید اراده خدا بر این بوده است، اما طرف مقابل ادعا می‌کند که اراده خدا بر چیز دیگری بوده است.

«ولكن خصمهم بالسنة»

اما با سنت پیغمبر اکرم با خوارج مناظره و گفتگو کن.

الإتقان في علوم القرآن، اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن السيوطي، دار النشر: دار الفكر - لبنان -

1416هـ- 1996م، الطبعة: الأولى، تحقيق: سعيد المندوب، ج 2، ص 410، ح 2839

«ابن عباس» هشت هزار نفر را کنار زد و زمانی که نوبت به امیرالمؤمنین رسید، با فرمایشات حضرت، سه هزار نفر از جبهه مخالفین بیرون رفتند و در نتیجه هزار نفر باقی ماند. حضرت نیامدند با این هزار نفر به گفتگو پردازند و فرصت سوزی کنند بلکه شمشیر کشیدند و همه آنها را از بین بردند و ریشه آنها را کردند.

مجری:

درواقع حجت تمام شده بود.

آیت الله حسینی قزوینی:

بله، حجت تمام شد. گفتگو به این می گویند. همچنین بعد از گفتگو وقتی طرف مقابل قبول نمی کند نباید فرصت را هدر داد.

الگوی اقتدار امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در نحوه گفتگو با دولتهای متخاصم غربی!

امروزه بعضی افراد خیال می کنند که اگر دولت بمبی بیندازد، تمام ایران را ویران می کند. خاک بر سر اینطور تفکرات!

بنده هرگونه اهانت به شخصیت ها را خلاف می دانم و تلاش کردم تمام دوستانی که در فضای مجازی اهانت می کنند را نصیحت کنم تا توهین نکنند. انتقاد کنید، اما گاهی اوقات بنده نمی دانم افراد به دنبال چه می گردند.

ما نمی دانیم بعضی افراد چه فتنه ای در سر دارند که اینطور مقدمه چینی می کنند. به نظر ما و بعضی شخصیت های دلسوز و حتی مجلسی های روشن ما، مسائلی پشت پرده است.

امیرالمؤمنین برای گفتگو می‌رود، اما از موضع قدرت گفتگو می‌کند. شخصی که توانسته پهباد فوق مدرن آمریکا را در یک چشم به هم زدن نابود کند و برای همیشه داغی بر دل آمریکا بگذارد، چطور در گفتگو ذلت به خرج می‌دهید؟! شما به دنبال چه هستید؟!

چندین سال قبل که ملوان‌های آمریکایی را دستگیر کردند، بنده یک هفته بعد از آن در بندرعباس در جمع دوستان سپاه سخنرانی داشتم.

بنده در آن جلسه به آقای «فدوی» عزیز که از دوستان نزدیک ما هستند و در آن زمان فرمانده نیروی هوایی بودند، گفتم: قضیه چه شد؟! ما قضایایی شنیدیم، اما شنیدن کی بود مانند دیدن!!

ایشان خود برای بنده تعریف کرد که در بوشهر زمانی که از هواپیما پایین آمدم و موبایلم را روشن کردم زنگ زد. دوستان پشت بودند و گفتند: دو قایق آمریکایی وارد آب‌های سرزمین ما شدند. بنده دستور دادم آنها را بزنید.

آن‌ها گفتند: الآن چند هلیکوپتر کبری بالای سر ماست. بنده دستور دادم بزنید. دوستان بازهم گفتند: فلان کشتی جنگی فرانسه روبروی ماست. بنده بازهم دستور دادم که آنها را بزنید. آن‌ها گفتند پشت سر آن ناو آمریکاست و بنده بازهم گفتم بزنید.

مرد عمل به این می‌گویند! برای مذاکره باید اینطور افراد بروند و از موضع قدرت حرف بزنند.

بنده گفتم: آقای «فدوی» شما در مصاحبه تلویزیونی گفتید بعضی چیزها هست که نمی‌توانم آنها را بگویم. قضیه چه بود؟! ایشان گفت: زمانی که آنها را دستگیر کرده بودیم، به قدری خودشان را خیس کرده بودند که بوی گند و عفونت قایق را برداشته بود!!

ایشان در ادامه گفت: ما از نظر جنگ افزارهای دریایی به مراتب قوی‌تر از آمریکا و دولت‌های غربی هستیم.

آن‌ها خودشان هم می‌دانند که اگر کوچکترین خطایی مرتکب شوند، باید تابوت بیاورند و جنازه‌های ملوانان و افسران‌شان را بیرون ببرند. بنابراین آنها هم عاقل هستند و می‌دانند قضیه چیست. دوستان عزیز آیا درست است که ما با این وضع بیاییم اینطور ذلیل شویم؟!

ما از مسائل سیاسی زیاد سر در نمی‌آوریم و نمی‌دانیم قضیه چیست، اما اگر چند نفر امثال «سردار سلیمانی» و «فدوی» و «سردار سلامی» را در کنارشان می‌بردند که آنها از موضع قدرت حرف بزنند قضیه به اینجا ختم نمی‌شد.

باید محکم صحبت می‌شد که اگر شروط ما را قبول دارید بیایید تا مذاکره را امضا کنیم و اگر قبول ندارید بیایید در میدان با همدیگر تکلیفمان را روشن کنیم. غیر از این دشمن پستی همانند آمریکا منطقی نمی‌فهمند و جز زور چیز دیگری سرشان نمی‌شود.

امیدواریم زمانی که دولت آینده می‌آید، اگر قرار شد مذاکراتی با اروپایی‌ها و غیر اروپایی‌ها باشد افرادی را در مذاکرات ببرند که قدرت کشور را در همانجا به رخ آنها بکشند.

افرادی باید باشند که بگویند شرایط ما چنین است، اگر قبول دارید مذاکره کنیم و در غیر این صورت ما در میدان تکلیفمان را با شما روشن می‌کنیم.

بنابراین زمانی که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) «ابن عباس» را برای مذاکره می‌فرستند، می‌فرمایند که مبادا در آنجا من من کنید و مذاکره را با خواندن چند آیه تمام کنی.

برو و با سنت پیغمبر اکرم با آنها برخورد کن و هر حرفی زدند از کلمات پیغمبر اکرم جوابشان را بده. «ابن عباس» با سفارش امیرالمؤمنین برای مذاکره رفت و نتیجه هم گرفت.

مجری:

درواقع ما تجربیات مذاکره و گفتگو را داریم، اما از آن بهره نمی‌بریم و استفاده نمی‌کنیم. اهلیت (علیهم السلام) نوع مذاکره را به ما یاد دادند و فرمودند که باید این چنین صحبت و گفتگو کنید.

«سوده» و «طرماح» الگویی برای مذاکره کنندگان با اروپایی ها

آیت الله حسینی قزوینی:

اگر به صحبت‌های «سوده» در برابر معاویه دقت کنیم، می‌بینیم که اگر مذاکره کنندگان ما به اندازه یک زن عقل و شعور داشته باشند قضیه روشن می‌شود.

زنی به نام «سوده» نزد معاویه آمد و شروع به شکایت از «بُسْرُ بْنُ أَزْطَاة» کرد و گفت: این شخص اموال ما را گرفته است، مردان ما را می‌کشد و در حق ما ظلم و جنایت می‌کند. اگر جلوی این شخص را نگیرید، می‌ترسیم کار به جای باریک بکشد.

معاویه شروع به تندی کرد و گفت: آیا مرا تهدید می‌کنی؟! «سوده» با صدای رسا شعری خواند که لرزه بر اندام معاویه و یارانش انداخت. او گفت:

«صَلَّى الْإِلَهَ عَلَى رُوحِ تَضَمَّنْهَا

درود بر آن بزرگ مردی که وقتی زیر خاک رفت.

قَبْرٌ فَأَصْبَحَ فِيهِ الْعَذْلُ مَذْفُونًا

عدالت هم با او دفن شد.

قَدْ خَالَفَ الْحَقُّ لَا يَبْغِي بِهِ بَدَلًا

با حق عهد بسته است که جز او چیزی را نخواهد.

فَصَارَ بِالْحَقِّ وَالْإِيمَانِ مَقْرُونًا «

پس با حق و ایمان همراه شد.

«فَقَالَ مُعَاوِيَةُ مَنْ هَذَا يَا سَوْدَةَ»

معاویه گفت: ای سوده! منظورت کیست؟

«قَالَتْ هُوَ وَاللَّهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 41،

ص 119، ح 27

بعد گفت: "من روزی نزد علی بن ابی طالب آمدم، در حالی که می‌خواست مشغول نماز شود. وقتی حضرت مرا دید رویش را از قبله برگرداند و گفت: چه می‌خواهی؟! من گفتم: حاکم شما در منطقه همدان دو درهم بیشتر از ما زکات گرفته است. من از دو درهم اضافه گرفتن ناراحت نیستم، بلکه می‌ترسم پول‌های اضافی زیر کام حاکم شما شیرین باشد و این منطقه را به فساد بکشد و بی‌آبرویی او به دامن شما بنشیند."

منطق به این می‌گویند! علی بن ابی طالب رو به آسمان کرد و فرمود: "خدایا من که به این افراد دستور ندادم ظلم کنید، من از تو عذرخواهی می‌کنم."

حضرت سپس کاغذی برداشتند و فرمودند: "از زمانی که نامه من به دست تو می‌رسد، عزل هستی. تا زمانی که حاکم بعدی بیاید منتظر باش و کاری نکن و تمام مسند و اموال بیت المال را به او تحویل بده."

امیرالمؤمنین نامه را بدون اینکه داخل پاکت بگذارد و در پاکت را ببندد، مهر کرد و به دست «سوده» داد. زمانی که نامه را به حاکم همدان دادم، او همینطور خشکش زد.

«سوده» به صراحت به معاویه گفت: عدالت، عدالت علی بن ابی طالب بود. آیا مرا تهدید می‌کنی!! معاویه ابتدا گفت: من به حاکم خود دستور می‌دهم جزای این کار را به تو بدهد و سر بستگان را از بدن جدا کند. معاویه کجا و امیرالمؤمنین کجا!؟

همین منطق «سوده» باعث شد که معاویه نامه‌ای به حاکم بنویسد و دستور دهد کاری به «سوده» نداشته باشید، اموالی که از او گرفتید را به او برگردانید و از «سوده» عذرخواهی کرد.

منطق مذاکره به این می‌گویند. «سوده» زمانی که با امیرالمؤمنین حرف می‌زند، می‌گوید: من از پرداخت دو درهم بیشتر به حاکم ناراحت نیستم، بلکه بیم آن دارم که حکومت اسلامی به رشوه و رانت خواری عادت کند. در مقابل «سوده» زمانی که با معاویه حرف می‌زند، می‌گوید: درود خداوند بر مردی که با دفن شدنش عدالت دفن شد. بنده واقعاً نمی‌دانم مسئولین این مسائل را می‌بینند یا نمی‌بینند.

خداوند روح «طرمح» شخص شاعر و برادر «حجر بن عدی» را شاد کند. امیرالمؤمنین نامه تندی به معاویه می‌فرستد و می‌فرماید: نامه را به معاویه در شام بده، اما مواظب آبروی علی بن ابی طالب هم باش!

زمانی که بنده نامه امیرالمؤمنین به «طرمح» را می‌خوانم، به یاد فرمایشات مقام رهبری می‌افتم زمانی که دستورالعملی در رابطه با قضیه برجام داد و رعایت نشد.

زمانی که «طرمح» به شام می‌آید و می‌خواهد با معاویه دیدار کند، معاویه تشکیلاتی نظیر فرش‌های گرانقیمت به راه می‌اندازد تا ابهت خلافت او چشم «طرمح» را بگیرد.

«طرمح» با کفش‌های آلوده به خاک خود روی فرش‌ها می‌رود و بی‌اعتنا به همه چیز روی یکی از مبل‌ها تکیه می‌دهد.

زمانی که اطرافیان به او اعتراض می‌کنند، «طرماح» می‌گوید: این‌ها برای من هیچ ارزشی ندارد. من دیدم معاویه به تخت تکیه داده و من هم تکیه دادم.

معاویه به او گفت: اگر نامه آوردی، آن را به «عمرو عاص» بده. «طرماح» گفت: رئیس دزد است و وزیر او به مراتب از او دزدتر است. من نامه را به وزیر نمی‌دهم. معاویه گفت: نامه را به پسرم بده. «طرماح» گفت: از سگ چه دیدیم که از توله سگ ببینیم!

معاویه که از دهانش آتش می‌بارید، گفت: نامه را به من بده. «طرماح» گفت: بلند شو و مؤدب بنشین، دو دستت را جلو بیاور و نامه را از من بگیر.

ما به اینطور افراد برای مذاکره نیاز داریم. معاویه علی رغم میل باطنی نامه را گرفت، خواند و گفت: به علی بن اَبی طالب بگو من به اندازه ستارگان آسمان سپاه دارم و می‌توانیم حمله کنیم و علی بن اَبی طالب و یارانش را قلع و قمع کنیم.

«طرماح» شاعر گفت: تو می‌گویی به تعداد ستارگان آسمان نیرو داریم، در حالی که علی بن اَبی طالب خورشیدی است که با طلوع او هیچ یک از ستارگان نور نمی‌دهند و همه نابود می‌شوند و از بین می‌روند.

مرد مذاکره به این می‌گویند که از موضع قدرت بدون هیچ واژه‌های سخن می‌گویند. نهایتاً شخص را می‌کشند و بالاتر از کشتن که چیزی نیست.

معاویه قدری طلا و جواهرات در اختیار «طرماح» گذاشت، اما او بدان آنکه توجهی به اموال کند و بدون خدا حافظی مجلس را ترک می‌کند.

ما نمونه‌هایی از این مذاکرات از یاران امیرالمؤمنین با مخالفین داریم. این مذاکرات امروزه باید برای مسئولین رده بالای ما الگو باشد. الحمدلله شما امروزه قدرت دارید و خداوند متعال و مردم با شما هستند. خداوند عالم فرموده است:

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار می‌دارد.

سوره محمد (47): آیه 7

اگر بعضی افراد از روز اول از نظام انتقاد دارند، شاید من ده برابر شما انتقاد داشته باشم. با تمام این مسائل ما شک و شبهه‌ای نداریم که اصل نظام برخاسته از فرهنگ اهلیت (علیهم السلام) است.

ما برای این نظام شهدا و جانبازان زیادی دادیم. گاهی اوقات که بنده شرح حال شهدا را مطالعه می‌کنم، واقعاً خجالت می‌کشم از اینکه بینم فردای قیامت در مقابل شهدا چکار کردیم. من در خدمت شما هستم.

مجری:

سلامت باشید. خیلی ممنون و متشکرم، استفاده کردیم. ما از یک طرف افسوس می‌خوریم که این همه تجربه داریم، این همه روایات متقن داریم و این همه شاهد‌های تاریخی داریم اما استفاده نمی‌کنیم.

در مقابل بازهم خدا را شکر می‌کنیم که دانش آموخته مکتب امیرالمؤمنین و دانش آموز مدرسه امیرالمؤمنین هستیم.

شکر خدا که نام علی بر زبان ماست

ما شیعه‌ایم و عشق علی هم از آن ماست

هرکس که به جز علی امامش باشد

باطل همه صوم و صلاتش باشد

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين علي بن أبي طالب و الأئمة المعصومين (عليهم السلام)

خیلی خوشحالیم که در خدمت شما عزیزان هستیم و خوشحالیم از اینکه این همه اقتدار و این همه منطق امیرالمؤمنین را می‌شنویم.

باز هم می‌گوییم افسوس می‌خوریم که چرا غافل هستیم از این همه نکات تاریخی و در بحث سیاست خودمان استفاده نمی‌کنیم و بهره نمی‌بریم.

حاج آقا قرار است تلفن‌ها وصل شود، اما سؤالی می‌پرسم و اگر امکان دارد کوتاه بفرمایید. حضرتعالی در بحث مذاکراتی که از مکتب امیرالمؤمنین سرچشمه می‌گیرد، دو نکته و دو داستان و دو مسئله فرمودید.

با توجه به اینکه ایام انتخابات است، آدرس‌های این داستان‌ها را بفرمایید، زیرا افرادی هستند که می‌خواهند این داستان‌ها را مطالعه کنند و در این ایام آنها را به بحث‌های تاریخی و اهلیت مستند کنند.

«مرحوم علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد 41 صفحه 119 و 120 ماجرای «سوده» را نقل کرده است. «مرحوم اربلی» در کتاب «کشف الغمة» جلد اول صفحه 335 این قضیه را مطرح کرده است.

قضیه «طرماح» برادر «حجر بن عدی» که به همراه ده نفر از یارانش مظلومانه توسط معاویه سر بریده شد در کتاب «الاختصاص» اثر «شیخ مفید» صفحه 138 نقل شده است.

«علامه مجلسی» هم در کتاب «بحارالانوار» جلد 33 صفحه 294 این قضیه را نقل کرده است. این قضیه بسیار مفصل است و اگر می‌خواستیم آن را نقل کنیم، حدود چهل دقیقه زمان نیاز دارد.

زمانی که «طرماح» وارد مجلس معاویه می‌شود، طوفانی به پا می‌کند. این قضیه درس مفصلی است در این راستا که وقتی مولایمان علی بن ابی طالب است، باید مذاکره کنندگان ما هم در مذاکره از حضرت الگو بگیرند.

زمانی که «طرماح» برای مذاکره می‌رود، صحابه می‌گویند: مراقب آبروی علی هم باش. مواظب باش آنجا ذیلانه در برابر معاویه سر خم نکنی. رهبر و مولای تو علی بن ابی طالب است!!

در مقابل «طرماح» هم در برابر معاویه افتخار می‌آفرینند. حساب کنید نزدیک به هزار و چهارصد سال از این قضیه می‌گذرد، اما هنوز نام «طرماح» در تاریخ موجود است.

اگر "مذاکرات «طرماح» با معاویه" را سرچ کنید، مشاهده می‌کنید که بیش از هزار سایت و وبلاگ ماجرای «طرماح» را نقل کرده‌اند. بعضی از آقایان این قضیه را با آب و تاب بیشتری نقل کرده‌اند و همانند فیلم نامه‌هایی که قدری اضافه دارد آن را آورده‌اند.

«مرحوم علامه مجلسی» ماجرای «سوده» و «طرماح» را بسیار مفصل آورده است. ایشان چندین صفحه این قضایا را مطرح کرده است، به طوری که انسان واقعاً لذت می‌برد.

مجری:

خیلی ممنون. ای کاش هنرمندان و فیلمنامه نویسان انقلابی ما این قضایا را ببینند و اینها را تبدیل به مستند و رسانه کنند.

فرمودید احترام امیرالمؤمنین حفظ شود، اما امام جامعه یک سری شروطی می‌گذارد و آنها با هر بهانه‌ای می‌گویند که خطوط قرمز را رد کردیم.

تماس بینندگان برنامه:

از این لحظه به بعد به سراغ تماس‌های تلفنی می‌رویم. علی آقا از تهران پشت خط هستند. علی آقا سلام علیکم، ان شاءالله نمازها و روزه‌هایتان قبول باشد:

بیننده (علی آقا از تهران - شیعه):

سلام عليكم و رحمة الله، شب شما بخير.

مجری:

شب شما بخیر، بفرمایید.

بیننده:

سلام عرض می‌کنم خدمت حاج آقا قزوینی، ان شاء الله همیشه سلامت و موفق باشید.

آیت الله حسینی قزوینی:

سلام عليكم، ممنون و متشکرم.

بیننده:

خیلی استفاده می‌کنیم از مطالب عالی شما و ان شاء الله خداوند شما را محفوظ بدارد که در دفاع از مکتب امیرالمؤمنین تلاش می‌کنید.

بنده سه سؤال داشتم که بسیار مهم هستند. بنده خواهش می‌کنم سند این روایات را کامل و محققانه به من بگویید.

مجری:

اگر ممکن است خلاصه بفرمایید، زیرا ده دقیقه بیشتر فرصت نداریم.

بیننده:

سؤال اول اینکه سند نامه‌ای که «نائله» همسر عثمان به معاویه می‌نویسد و مضمون بسیار تندی دارد کجاست؟! هر کدام از اهل سنت این نامه را بخواند، شاید بسیاری مسائل برای او روشن شود.

سؤال دوم اینکه کنیه عایشه «أم عبدالله» بوده است. در کتاب «المطالب العالیة» جلد هشتم صفحه 188 بیان شده است که عایشه این کنیه را داشته است.

«مرحوم علامه سید جعفر مرتضی عاملی» در کتاب «الصحيح من سيرة النبي الاعظم» بیان می‌کند که عایشه با رسول الله ازدواج کرده بود و بچه داشته است.

سؤال سوم اینکه حاج آقا یزدانی در جلسه قبل فرمودند که عثمان شش سال اول پا و سرش را مسح می‌کشید و شش سال دوم پا و سرش را می‌شست. اگر ممکن است سند این روایت را بفرمایید. ان شاء الله سلامت و موفق باشید، یا علی، خدانگهدار.

مجری:

یا علی، منتظر باشید تا پاسخ را دریافت کنید. حاج آقا سؤال اول این بود که سند نامه «نائله» به عثمان کجاست؟!

آیت الله حسینی قزوینی:

اگر مراد از «نائله» همسر عثمان است، بنده چنین نامه‌ای ندیدم. «نائله» کسی است که در قضیه محاصره عثمان آنجا بود و زمانی که مهاجمین خواستند عثمان را بکشند، ایشان دستش را جلو برد و دستش قطع شد. همچنین نقل شده است که بعضی افراد جلوی چشم عثمان به «نائله» جسارت کردند. این قضیه مفصل در تاریخ موجود است. بنده گمان می‌کنم نام «نائله» برای ایشان مشتبه شده است، شاید کسی دیگر است. حال بنده دوباره بررسی می‌کنم.

«نائله» همسر عثمان بود و همیشه در کنار او بود، نیازی نبود که بخواهد نامه‌ای بنویسد.

مجری:

ان شاء الله این بیننده عزیز جلسه بعد تماس بگیرند و جزئیات را بفرمایند.

آیت الله حسینی قزوینی:

در رابطه با کنیه عایشه باید بگوییم که به طور کلی عرب از ابتدا بعضی از خانمها یا بعضی از آقایان را به نام کنیه نام گذاری می‌کنند.

به عنوان مثال «ابوهریره» از ابتدا به این نام بوده و ربطی به اینکه او فرزندی به نام «ابوهریره» داشت یا نداشت، ندارد. همچنین حضرت ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین از ابتدای کودکی به همین نام بوده‌اند، نه اینکه دختری به نام «کلثوم» داشته باشند.

حال به نظر بنده مطالبی که دیگران نظیر «سید جعفر مرتضی» در خصوص عایشه نوشته‌اند مبنی بر اینکه ایشان قبلاً ازدواج کرده بود و از همسر قبلی خود فرزند داشت، درست نیست.

بعضی از پدرها و مادرها هستند که عقد بسته هستند. به عنوان مثال همین که طفل به دنیا می‌آید، می‌گویند که این طفل عقد بسته فلان شخص است.

عایشه ابتدا قرار بود با شخصی ازدواج کند و قولی هم داده بودند. حال بعضی افراد گفته‌اند که عقدی هم صورت گرفته بود که آن بحث دیگری است. در مقابل چنین چیزی که عایشه قبلاً ازدواج کرده باشد و از همسر گذشته خود فرزند داشته درست نیست.

البته اهل سنت معتقدند که وقتی عایشه به عقد رسول الله درآمد، تنها شش سال داشت و سه سال مانده بود تا به سن بلوغ برسد. حتی نقل شده است عایشه عروسک‌هایش را با خود آورده بود و دختران همسایه می‌آمدند با او بازی می‌کردند.

«ابن کثیر» و دیگران هم نقل کرده است که زنان منسوبین رسول الله یا منسوبین عایشه غذاهای چرب می‌دادند تا زودتر بزرگ شود، زیرا بسیار لاغر بوده است.

در مقابل عقیده ما بر این است که عایشه هفده ساله بود که با رسول اکرم ازدواج کرد. ما در این قضیه هیچ شکی نداریم و بر گفته خود دلیل قطعی هم داریم.

این مسائل را یهودیان ساختند تا قداست رسول گرامی اسلام را زیر سؤال ببرند و ادعا کنند رسول اکرم با آن عظمت با یک دختر خردسال ازدواج کرده است.

به نظر بنده این مسائل همگی دروغ است و هرکسی هم آن را نقل کرده باشد و هزاران مرتبه در کتب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» آورده باشد، بنده سوگند یاد می‌کنم که این مسائل دروغ است.

دست‌های یهود سبب طرح این مسائل است تا حیثیت و قداست نبی گرامی اسلام را زیر سؤال ببرد. ما این قضایا را سر جای خود بحث کردیم و اگر لازم بود تمام مدارک آن را نشان خواهم داد.

زمانی که عایشه سال دوم هجرت با رسول گرامی اسلام ازدواج کرد، هفده سال سن داشت و خواهرش «اسماء» ده سال از او بزرگ‌تر بود و بیست و هفت سال داشت.

مجری:

حاج آقا بسیار ممنونم. سؤال سومشان این بود که حاج آقا یزدانی فرمودند خلیفه سوم عثمان شش سال اول پاهایش را مسح می‌کشید و شش سال دوم پاهایش را غسل می‌کرد. سند این مطلب کجاست؟!

آیت الله حسینی قزوینی:

ما این قضیه را در بحث خارج فقه مقارن مفصل آوردیم. دوستان می‌توانند این مطالب را در سایت ملاحظه بفرمایند.

کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد اول صفحه 67 و کتاب «مجمع الزوائد» جلد اول صفحه 224 این قضیه را مفصل نقل کرده است.

کاملاً مشخص است که عثمان در شش سال اول خلافت پاهایش را مسح می‌کشید، حال آنکه خود نقل می‌کند من دیدم پیغمبر اکرم موقع وضو گرفتن پاهایشان را مسح می‌کشید.

وقتی عثمان به مکه آمد و دید مردم با پاهای کثیف وارد مسجد می‌شوند، دستور داد وقتی وضو می‌گیرید پاهایتان را بشویید تا با پاهای کثیف و آلوده وارد بیت الله الحرام نشوید.

مجری:

حاج آقا بسیار ممنون و متشکرم. فرصت برنامه به پایان رسیده است. با توجه به اینکه نزدیک انتخابات هم هست، دعا بفرمایید و ما هم آمین می‌گوییم.

آیت الله حسینی قزوینی:

خدایا به آبروی حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و به آبروی حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) سوگند می‌دهیم فرج مولایمان حضرت ولی عصر را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان گرامی حضرت بقیة الله الأعظم قرار بده و به ما توفیق بده از زمینه سازان قیام حضرتش باشیم.

خدایا به آبروی حضرت ولی عصر رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا به حق حضرت محمد و آل محمد گرفتاری‌های گرفتاران مورد نظر را برطرف بگردان. خدایا حوائج ما و حوائج بینندگان عزیز را برآورده نما. خدایا دعاها را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

حضرت استاد بسیار ممنون و متشکرم که بر سر ما منت گذاشتید و به سؤالات بینندگان پاسخ دادید و علم ما را نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) زیاد کردید.

همچنین از شما بینندگان عزیز کمال تشکر و قدردانی داریم که تا پایان برنامه خودتان برنامه «حبل المتین» را بیننده بودید. ان شاء الله هفته بعد در خدمت شما خواهیم بود.

دلا باید به هر دم یا علی گفت

نه هر دم بل دمام یا علی گفت

یا علی مدد، خدانگهدار

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته